

Visual Analysis of the Horse's Bodily Structure in Islamic Veterinary Manuscripts (from the Early Centuries to the 11th Century AH)

Rana Mohammadzadeh¹ , Alireza Taheri² , Sara Shahlaei³ 

1. PhD student in Comparative History and Analysis of Islamic Art, Faculty of Theoretical Sciences and Advanced Studies in Art, University of Art, Tehran, Iran, E-mail: ranamoh629@gmail.com
2. Department of Comparative History and Analysis of Islamic Art, Faculty of Theoretical Sciences and Advanced Studies of Art, University of Art, Tehran, Iran. E-mail: al.taheri@art.ac.ir
3. PhD student in Comparative History and Analysis of Islamic Art, Faculty of Theoretical Sciences and Advanced Studies in Art, University of Art, Tehran, Iran, E-mail: sarashahlaei1999@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 10 June 2026 Revised: 22 July 2026 Accepted: 29 July 2026 Published online: 24 September 2026 Keywords: Veterinary knowledge, hippiatry, Islamic veterinary, manuscripts, visual representation, anatomical representation of the horse	In the scientific manuscript tradition of the Islamic world, visual representation was not merely a decorative addition to written texts, but an important means of clarifying, organizing, and transmitting specialized knowledge. This role becomes particularly significant in medical and veterinary manuscripts, where the understanding of bodily structures often required visual explanation. This study examines the modes of anatomical representation of the horse in Islamic veterinary manuscripts from the fourth to the seventh centuries AH. It aims to clarify how images of the horse were related to scientific texts and what structural, visual, and educational functions they performed in the transmission of veterinary knowledge. This research adopts a qualitative, descriptive-analytical approach. It is based on the visual and textual analysis of selected Islamic veterinary and hippiatric manuscripts containing representations of the horse. The images are examined in terms of viewpoint, simplification, omission of unnecessary details, written annotations, relation to the accompanying text, and instructional function. The findings indicate that the image of the horse in Islamic veterinary works cannot be understood as purely artistic, nor can it be regarded as scientific in the modern anatomical sense. Instead, it results from the interaction between empirical veterinary knowledge and traditional modes of visual expression. These images often rely on visual simplification, selective emphasis, written labeling, profile views, and, in some cases, overhead or combined viewpoints. Such features transform the image into a practical and educational tool for recognizing bodily structures, locating significant parts, and supporting the understanding and treatment of diseases. The anatomical representation of the horse in these manuscripts may be understood as a functional and cognitive form of visual communication. The image serves not as an ornamental element, but as a complement to the text and as an instrument for understanding animal bodies within Islamic veterinary knowledge.

Cite this article: Mohammadzadeh R, Taheri A, Shahlaei S. (2025). Visual Analysis of the Horse's Bodily Structure in Islamic Veterinary Manuscripts (from the Early Centuries to the 11th Century AH). *Journal for the History of Science*. 24 (2), 35-58. DOI: 10.22059/jihs.2026.415223.371911



© The Author (s).

Publisher: University of Tehran Press.

بررسی ساختار بصری بدن اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی

(سده‌های نخستین تا سده ۱۱ هجری)

رعنا محمدزاده^۱ ID، علیرضا طاهری^۲، سارا شهلائی^۳

۱. دانشجوی دکترا رشته تاریخ تطبیقی و تحلیل هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران، رایانامه: ranamoh629@gmail.com
 ۲. گروه تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی-دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر-دانشگاه هنر ایران-تهران رایانامه: al.taheri@art.ac.ir
 ۳. دانشجوی دکترا رشته تاریخ تطبیقی و تحلیل هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران، رایانامه: sarashahlaei1999@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۷	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱	
کلیدواژه‌ها: دانش دامپزشکی، بيطاری، نسخ دامپزشکی اسلامی، بازنمایی بصری، تشریح‌نگاری اسب	در سنت علمی تمدن اسلامی، انتقال دانش تنها به بیان نوشتاری محدود نبود و در بسیاری از حوزه‌ها از ابزارهای بصری برای توضیح و تثبیت مفاهیم استفاده شده است. در میان این حوزه‌ها، متون پزشکی و دامپزشکی از جمله آثاری هستند که در آن‌ها تصویرگری به‌عنوان وسیله‌ای برای فهم ساختار بدن و آموزش عملی اهمیت ویژه‌ای یافت. نسخه‌های بيطاری نیز در همین چارچوب، با بهره‌گیری از تصویر و متن به انتقال دانش مربوط به شناخت و درمان حیوانات می‌پرداختند. تصویرگری علمی در نسخه‌های اسلامی صرفاً روشی برای زیباسازی متن نبود، بلکه نقشی اساسی در انتقال بهتر دانش، تبیین مفاهیم تخصصی و آموزش عملی ایفا می‌کرد. در میان موضوعات گوناگون مصور در این آثار، بدن حیوانات و به‌ویژه اسب، جایگاهی ویژه دارد. پژوهش حاضر، با هدف واکاوی ساختار بصری شیوه تشریح‌نگاری بدن اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی (سده‌های نخستین اسلامی تا ۱۱ هجری) به بررسی نسبت میان تصویر و مطالب علمی پرداخته است. پرسش این است که تشریح‌نگاری اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی به چه شیوه‌ای و با کدامین ویژگی‌های بصری صورت گرفته است؟ روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر خوانش بصری و محتوایی تصاویر و متن‌های همراه آن‌ها صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تصویر اسب در آثاری یا محوریت دامپزشکی یا همان بيطاری، نه صرفاً ماهیتی هنری دارد و نه کاملاً علمی تلقی می‌شود، بلکه حاصل هم‌نشینی دانش تجربی و سنت‌های بیان تصویری است. در این نسخ، تصاویر با حذف جزئیات غیرضروری، ساده‌سازی بصری، نشانه‌گذاری نوشتاری و تأکید بر نماهای نیم‌رخ و گاه فوقانی، به‌منزله ابزاری آموزشی و کاربردی برای شناخت ساختار بدن و درمان بیماری‌ها عمل می‌کردند. بدین ترتیب، تصویرگری اسب در این متون را می‌توان نوعی بازنمایی کارکردی و شناختی دانست که در آن تصویر در خدمت انتقال دانش دامپزشکی قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که نسخ دامپزشکی اسلامی واجد سنتی تصویری هستند که در آن، تصویر نه عنصر تزئینی بلکه مکمل متن و ابزار فهم علمی بدن حیوانات است.

استناد: محمدزاده، رعنا، طاهری، علیرضا، شهلائی، سارا (۱۴۰۵). بررسی ساختار بصری بدن اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی (سده‌های نخستین تا سده ۱۱ هجری)،

تاریخ علم ۲۴ (۲)، ۳۵-۵۸.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jihs.2026.415223.371911>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

در میان نسخ خطی ایران، آثار دامپزشکی برجای مانده از دوران اسلامی به‌ویژه از سده‌های میانه با نام «بیطار»؛ گواهی ارزشمند بر پیوند میان دانش و هنر به شمار می‌روند. در این آثار مفهوم «دامپزشکی» معادل علم شناخت و درمان بیماری‌های حیوانات به‌ویژه اسب، به کار رفته است. در این متون، تصویر در راستای تبیین مباحث علمی و با بیانی استعاری از اهمیت حیوانات یا حیوانی خاص در آثار ایرانی-اسلامی است. اسب، در این نسخ دامپزشکی به‌عنوان موضوعی محوری دیده می‌شود چراکه اسب نه تنها حیوانی مهم در عرصه‌های معیشتی، نظامی و درمانی به شمار می‌رفت، بلکه شناخت دقیق ساختار بدن و بیماری‌های آن برای دامپزشکی سنتی نیز ضروری بود.

هدف پژوهش حاضر، واکاوی ساختار بصری بدن اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی (تا سده ۱۱ هجری) است تا چگونگی هم‌نشینی عناصر تصویری با مفاهیم علمی، روشن شود. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که تصویرگران از چه ساختارهای بصری مانند: ترکیب‌بندی، رنگ، تناسب و نشانه‌گذاری‌های نمادین، در تصویرگری اسب در نسخ دامپزشکی بهره برده‌اند.

بنابراین، مطالعه تحلیلی ساختار بصری و محتوای متنی مربوط به تصاویر می‌تواند الگویی از تفکر تصویری در سنت علمی نسخ اسلامی ارائه دهد. پرسش این پژوهش بدین شرح است: تشریح‌نگاری اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی به چه شیوه‌ای و با چه ویژگی‌های بصری است؟ اهمیت این پژوهش در آن است که به یکی از عرصه‌های نسبتاً کمتر کاوش شده نسخ خطی یعنی پیوند میان تصویر و علم در متون تخصصی می‌پردازد. تاکنون نسخ علمی به‌ویژه دامپزشکی، کمتر از منظر تحلیل تصویری بررسی شده‌اند. اهمیت این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که نسخ دامپزشکی به‌ویژه نسخ دامپزشکی دوره اسلامی را می‌توان بخشی از میراث علمی-تصویری دانست؛ میراثی که در آن تصویر، ابزاری برای شرح، آموزش و تثبیت مفاهیم تخصصی است. مطالعه این تصاویر می‌تواند به روشن شدن شیوه‌های بومی بازنمایی دانش دامپزشکی در سنت اسلامی کمک کند. بررسی نقش اسب در این نسخ، می‌تواند به شناختی از جایگاه تصویرگری این حیوان در کتب علمی منجر شود. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کمبود منابع دست اول و کتاب‌های تخصصی صرفاً در زمینه دامپزشکی در نسخ علمی اسلامی، محدود بودن تعداد

نسخه‌های در دسترس، پراکندگی جغرافیایی نسخه‌ها و دشواری دسترسی به تصاویر با کیفیت مناسب اشاره کرد؛ همچنین برخی نسخه‌ها فاقد توضیحات کامل متنی بوده‌اند که این امر تحلیل دقیق رابطه میان متن و تصویر را با دشواری مواجه می‌کند.

پیشینه پژوهش

در این بخش به دو دسته از منابع اشاره شده است؛ نخست منابعی در زمینه کتب دامپزشکی یا بیطاری و سپس منابعی درباره پیشینه این علم در تاریخ، از جمله: دادرس (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «مطالعه تطبیقی تصویرسازی جانوران در نسخه‌های متعدد الحشائش دیسکوریدوس» مطالعه‌ای بر تصاویر جانوران منحصر در نسخی خاص صورت گرفته است. آقابابایی‌خوزانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ترجمه‌های حیات الحیوان و کتب بیطاری در ایران از آغاز تا روزگار قاجار» در باب سیر ترجمه‌های یک نسخه خاص بیطاری در ایران، مطالبی نگاشته است. در واقع در منبع یاد شده، بررسی متون مرتبط با علم بیطاری مورد توجه بوده و بخش بررسی تصاویر همچنان نیاز پژوهشی وجود دارد. مهری (۱۳۸۸) در مقاله خود «کتاب الحیوان جانورشناسی در تمدن اسلامی» به طور موردی، به بررسی برخی از جانوران و نوع مطالعه علمی آنها در کتاب الحیوان پرداخته است؛ با این حال مولفه‌های بصری نسخ در اینجا مورد پژوهش نبوده است. محرری (۱۳۸۶) در مقاله «سیر بیطاری دامپزشکی اسب در تاریخ سرزمین‌های اسلامی» به بیان مطالبی در خصوص سیر بیطاری اسب پرداخته و شرحی از ارتباط متون بیطاری سرزمین‌های اسلامی با سایر تمدن‌ها ارائه داده است؛ اما مطالعه متمرکز بر وجوه بصری جانوران هدف این پژوهش نبوده و صورت نگرفته است. احمدی‌دارانی (۱۳۷۹) در مقاله «فواید ادبی کتاب تاریخ دامپزشکی و پزشکی» به معرفی برخی از کتب و نسخ تخصصی پزشکی و دامپزشکی پرداخته است. لازم به ذکر است که صرفاً ساختارهای تاریخی، مورد مطالعه اختصاصی این پژوهش بوده است و ویژگی‌های تصاویر کتاب‌ها، همچنان در این پژوهش تحلیل نشده است. ریشار (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «فرسنامه‌ای فارسی مورخ ۵۵۵ قمری (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس)» با معرفی و بررسی یک نسخه خطی متعلق به سده ششم هجری، اهمیت متون فرسنامه‌ای را در شناخت تاریخ دانش دامپزشکی و فرهنگ مربوط به اسب نشان بیان می‌کند.

آقاییک لویی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به زبان انگلیسی با عنوان «مشارکت‌های ابوریحان رازی در پزشکی دامپزشکی زیرشاخه سم‌شناسی» به بیان مطالبی چند در خصوص علم دامپزشکی و به‌ویژه مطالبی مرتبط با دامپزشکی اسب پرداخته است که تمرکز دقیق بر روی سم‌شناسی این حیوان صورت گرفته است و مقاله رویکرد بررسی تصویری ندارد.

مطالعات پیشین که چند مورد از آنها نام برده شد، سهم قابل توجهی در پیشبرد مطالب این حوزه داشته‌اند اما تمرکز آنها بیشتر بر بیان کلی مفاهیم بیطاری یا همان دامپزشکی صرفاً در همان زمینه تاریخ پزشکی بوده است و وجوه هنری و تصاویر ترسیم شده در این نسخ، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین از وجوه تمایز اصلی جستار کنونی می‌توان به مورد توجه قرار گرفتن همان سویه‌های بصری این نسخ اشاره کرد. بنابراین با وجود پژوهش‌هایی که درباره نسخه‌های مصور اسلامی، تصویرگری علمی و تاریخ دامپزشکی انجام شده است، هنوز این پرسش به‌طور دقیق روشن نشده که تشریح‌نگاری بدن اسب در نسخ دامپزشکی سده‌های ۴ تا ۷ هجری چگونه صورت گرفته و این تصاویر چه کارکردی در انتقال دانش داشته‌اند. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که بررسی ساختار بصری این آثار در پژوهش حاضر، می‌تواند در فهم بهتر نسبت میان متن، تصویر و دانش عملی در سنت علمی اسلامی مؤثر باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است که با توجه به نوع موضوع تاریخی آن، به شیوه اسنادی نگاشته شده است. اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و تصاویر از منابع مکتوب موجود و منابع اینترنتی گردآوری شده‌اند. انتخاب این روش از آن‌رو مناسب بود که هدف پژوهش تحلیل نسبت میان تصویر و متن در انتقال دانش دامپزشکی بوده است. در پژوهش پیش رو، مطالعه ساختار و ویژگی‌های نقش اسب در نسخ اسلامی منتخب از سده‌های نخستین اسلامی تا ۱۱ هجری مورد بررسی قرار گرفته است. یک نسخه گزینش شده و تعداد ۴ نمونه تک تصویر مربوط به دامپزشکی با اولویت قراردادن کیفیت تصاویر آنها و با توجه به نیاز پژوهشی به عنوان نمونه‌های پژوهش مد نظر قرار گرفته‌اند و به‌صورت هدفمند از میان نسخه‌هایی انتخاب شده‌اند که واجد تصویرهای تشریحی، آموزشی یا توضیحی از بدن اسب بوده‌اند. فرایند گردآوری داده‌ها به این صورت انجام شد که تصاویر مرتبط

با اسب از نسخه‌های منتخب استخراج و سپس از منظر ساختار بصری بررسی شدند. معیار ورود نمونه‌ها، تعلق به حوزه دامپزشکی اسلامی، وجود تصاویر قابل تحلیل از اسب و برخورداری از محتوای متنی مرتبط بود. منطق انتخاب تعداد نمونه نیز بر اساس نمونه‌های در دسترس و رسیدن به اشباع مفهومی در الگوهای تصویری و متنی صورت گرفت. نحوه گزینش نمونه‌ها با مد نظر قرار دادن: ۱. قرارگیری نسخه در بازه زمانی مورد بررسی پژوهش، ۲. بر اساس امکان مطالعه گوناگونی ساختار ویژگی‌های بصری اسب در نسخ دامپزشکی، صورت گرفته است.

تاریخچه و زمینه‌های پیدایش دامپزشکی در سرزمین‌های اسلامی

یکی از برجستگی‌ها و امتیازات تمدن اسلامی در دوران ترقی و تعالی خود این بوده است که تعلیم و تعلم علوم همچون عبادت خداوند از فرایض و تکالیف به‌شمار می‌آمد و مسلمانان مامور بودند علم و دانش را از هر جایی که امکان دارد بجویند. در چنین موقعیتی بود که دانش‌های یونانی، سریانی، هندی، فارسی و حتی علوم بابلی و کلدانی در حوزه‌های علمی اسلامی راه یافت و با اندک زمانی توسعه و گسترش فراوانی پیدا کرد. دانشمندانی نیز درباره علوم طبیعی، پزشکی، داروشناسی و حتی جانورشناسی اهتمام ورزیدند (سلطانی‌گرد فرامرزی، ۱۳۶۶: ۵). این نکته نشان می‌دهد که شکل‌گیری علوم در تمدن اسلامی، تنها حاصل انتقال ساده دانش از تمدن‌های پیشین نبود، بلکه در بستر نوعی نگاه دینی و فرهنگی به علم معنا پیدا می‌کرد. مسلمانان با پذیرش و بازخوانی میراث علمی ملل مختلف، آن را در نظام فکری و نیازهای عملی جامعه خود وارد کردند.

مطالعات جانورشناسی به معنای وسیع آن در میان مسلمانان، تقریباً همه جنبه‌های فرهنگ اسلامی از فقه تا ادبیات و از هنر تا پزشکی را شامل می‌شد. مسلمانان هم آشنایی خوبی با زندگی و عادات جانوران اهلی داشتند و هم زندگی چادرنشینی که پایه ای برای روستانشینی و شهرنشینی محسوب می‌شد، در درونی ترین وجوه فکری آنان نقش ایفا می‌نمود (کامرانی، ۱۳۸۸: ۳۹). توجه مسلمانان به جانوران را نمی‌توان محدود به کنجکاوی علمی یا توصیف طبیعی دانست. حیوانات در جهان‌بینی، اقتصاد، ادبیات، هنر و حتی مناسبات اجتماعی جوامع اسلامی حضور فعال داشتند. این گستردگی سبب شد که شناخت

جانوران، به‌ویژه حیوانات اهلی، به دانشی چندوجهی تبدیل شود؛ دانشی که هم از تجربه زیسته مردم تغذیه می‌کرد و هم در متون علمی و آموزشی بازتاب می‌یافت.

بیطره یا بیطاری که امروزه می‌توان دام‌پزشکی را معادل آن دانست، شناخت خصوصیات و بیماری‌های اسب و چگونگی درمان آنها و شیوه‌های عملی پرورش این حیوان را دربر می‌گرفته است. پیشینه این فن به تمدن‌های بین‌النهرین، مصر و هند باز می‌گردد اما منابع مهم آن همچون سایر علوم، از یونان، روم بیزانس و ایران باستان به تمدن اسلامی انتقال یافته است. توجه به فن پرورش و حفظ سلامت اسب و نقش این حیوان در تشکیلات نظامی و حکومتی نزد مسلمانان، از صدر اسلام بوده و به تدریج در دوره‌های حکومتی سرزمین‌های اسلامی توسعه پیدا کرده و کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شده است (محرری، ۱۳۸۶: ۱۶۳). کتب بیطره، کتاب‌هایی که به دانش پزشکی حیوانات مربوط می‌شوند اما تا مدت‌ها مرز روشنی میان جانورشناسی و پزشکی جانوران وجود نداشته است. در اغلب آثار مربوط به بیطره که در دوران‌های اخیر با نام‌هایی همچون بازنامه و فرسنامه شناخته می‌شود به معرفی و شناخت بیماری‌های حیوانات ارزشمندی مانند اسب و اقسام پرندگان شکاری اختصاص دارد و پس از معرفی علت و نشانه‌های آن، به راه‌های عملی درمان امراض می‌پردازند (مهری، ۱۳۸۸: ۵۰).

مرور برخی کتب و تالیفات درباره بیطاری در تمدن اسلامی

در زیست‌شناسی و علوم پزشکی اعراب از یونانیان، رومیان، ایرانیان و هندیان فراوان به ارث بردند. فیلسوفان عرب گیاهان را در درجه اول برای استفاده از آنها در زراعت یا در طب مطالعه می‌کردند. در بغداد، پاره‌ای از ترجمه‌های اولیه از کتاب‌های گیاه‌شناسی بود که اشتباهاً گمان می‌رفت اثر مؤلفان یونانی کهنی چون ارسطو و تئوفراستوس است (رنان، ۱۳۹۳: ۳۲۳).

گسترش تالیفات در این فن از قرن سوم ه.ق در کنار ترجمه علوم از منابع یونانی و سریانی و سایر زبان‌ها بوده که مهم‌ترین کتاب در این دوران، کامل الصناعین فی البیطره ابن اخی حزام^۱ است که الهام‌بخش و منبع اصلی تالیفات دوران بعد در این زمینه شده است. پس از آن تا قرن هفتم ه.ق، تالیفات بسیاری در

1. *Kāmil al-Ṣanā'atayn fī al-Bayṭarah*

سرزمین‌های اسلامی در این زمینه وجود دارد. اهمیت نقش سواره‌نظام نزد مغولان و همچنین حکومت ممالیک در مصر که پس از آن مرکز تمدن اسلامی شده بود باعث رونق دوباره این علم در دوره‌های ایلخانی و تیموری گردید. پس از ایشان نیز نزد صفویان و عثمانی‌ها و گورکانیان هند ادامه یافت. پس از قرن ۱۸ میلادی این علم در اروپا به شیوه نوین دامپزشکی تبدیل شد که این تحول در ایران در ابتدای قرن ۱۴۰۱ ق. رخ داد (محرری، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

تاریخ جانوران ارسطو، با عنوان عربی «نُعُوتُ الْحِیَوانِ»^۱ که در اواخر قرن ۲ هجری با ترجمه عربی موجود بوده است از آثار مهم در زمینه جانورشناسی به شمار می‌آید. در قرن ۴ هجری نیز ترجمه کتابی درباره جانوران، که به ارسطو منسوب بوده است به دست عرب‌ها رسیده و به اندازه الحیوان بر نوشته‌های آنان اثر گذاشته است (نوریور، ۱۳۹۴: ۵۱). در قرن چهاردهم کمال الدین فارسی کتاب بزرگ زندگی جانوران را تألیف کرد که برجسته‌ترین اثر متأخر اسلامی در زمینه جانورشناسی بود. فارسی همه مطالعات قبلی را نظم بخشید و بدین‌سان کلیات بزرگی از دانسته‌های جانورشناسی فراهم آورد که مقبولیت عام یافت و به زبان‌های فارسی و ترکی ترجمه شد. در عرصه پزشکی، فرهنگ عرب که بعدها در آثار اسلامی نیز تأثیرگذار بود، سخت مدیون کار جالینوس در قرن دوم میلادی بود (رنان، ۱۳۹۳: ۳۲۶). در کتابخانه ملی فرانسه نیز مجموعه‌ای خطی مشتمل بر پنج رساله درباره بیطاری، در ۱۹۹ برگ وجود دارد. رساله نخست این مجموعه را مولانا مصطفی بن مولانا محمد مشهور به علمی در سال ۹۷۱ ق، در غرب ایران استنساخ کرده است و رسائل دیگر آن تاریخ و نام کاتب ندارد. رساله نخست این مجموعه، فرسنامه مبارک بن زنگی، معروف به قیم نهانندی است، که در جوانی سوارکار مشهوری بوده و این رساله را در ۵۵۵ ق تألیف کرده است. نسخه این رساله، که از نظر علمی و عملی اهمیت دارد، کامل نیست و در باب پنجاه و سوم پایان می‌یابد؛ احتمالاً کاتب آن، نسخه ناقصی را در اختیار داشته است. در این مقاله عنوان و آغاز و انجام هر یک از پنجاه و سه باب آمده است. این فرسنامه منثور، حاکی از علاقه ایرانیان به پرورش و تربیت اسب در سده ششم هجری است (ریشار، ۱۳۷۹: ۷۱).

1. *Nu'ūt al-Ḥayawān*

این روند نشان می‌دهد که سنت جانورشناسی در جهان اسلام، سنتی ایستا و محدود به ترجمه آثار پیشین نبود، بلکه در دوره‌های بعدی نیز با گردآوری، طبقه‌بندی و بازتفسیر دانسته‌ها ادامه یافت. عجایب المخلوقات نیز از جنبه جانورشناسی، هم حاوی مطالب علمی و هم خرافی است. نوع سوم این کتاب در هفت قسمت، حیوانات مختلف؛ از جمله انسان را مورد بحث قرار می‌دهد. سپس برخی از موضوعات از قبیل کیمیا، علوم غریبه و دفع حیوانات مودی را شرح می‌دهد (آقابابایی خوزانی، ۱۳۹۲: ۹۹). وجود هم‌زمان داده‌های علمی و باورهای خرافی در چنین آثاری نشان می‌دهد که مرز میان علم، تجربه، باور عمومی و تخیل در متون کهن کاملاً روشن و قطعی نبوده است. با این حال، همین متون از جهت نشان دادن شیوه مواجهه انسان مسلمان با جهان طبیعی اهمیت دارند.

همانطور که بیان شد، ادوار ماقبل اسلام اطلاعات تخصصی بسیاری درباره شتر و اسب اندوخته بودند؛ حال آن که در اسلام نیز، حیوانات اهمیت مذهبی یافتند و احکام مذهبی نیز مسئولیت‌های معینی را در مورد نحوه رفتار با حیوانات بر دوش انسان می‌نهاد. از این روست که در آثار ادبی اسلامی اشارات فراوانی به حیوانات وجود دارد (رنان، ۱۳۹۳: ۳۲۵).

جایگاه اسب در کتب جانورشناسی

در میان حیواناتی که در متون جانورشناسی و دامپزشکی اسلامی مورد توجه قرار گرفته‌اند، اسب جایگاهی ویژه و متمایز دارد. این جایگاه تنها به ارزش زیستی یا شناخت طبیعی این حیوان محدود نمی‌شود، بلکه با کارکردهای نظامی، اقتصادی، آیینی، ادبی و درمانی آن نیز پیوند دارد. اسب در جوامع ایرانی و اسلامی، هم وسیله‌ای برای جابه‌جایی و جنگاوری بود و هم نشانه‌ای از قدرت، منزلت اجتماعی و مهارت انسان در پرورش و نگهداری حیوانات به‌شمار می‌رفت. از همین‌رو، شناخت نژادها، رنگ‌ها، ویژگی‌های اندامی، بیماری‌ها و روش‌های درمان اسب در متون علمی و آموزشی اهمیت فراوان یافت.

دامپزشکی اسب یک زیرشاخه مهم از رشته دامپزشکی است، زیرا اسب‌ها حیوانات اهلی هستند که انسان مدت‌هاست برای اهداف مختلفی مانند کشاورزی، سرگرمی و ... از آنها استفاده می‌کند (Safari, 2019: 52). از میان علومی که از اهمیت خاصی برخوردار بود، علم شناخت اسب و دانستن انواع نژادها

و رنگ ها و بیماری ها و درمان آن است. درباره اسب از زمان ارسطو گرفته تا دوره های متاخر، در تالیفاتی که مضاف و منسوب به حیوان بوده سخن به میان آمده و دانشمندانی همچون: جاحظ در کتاب الحیوان و دیگران به توصیف خصوصیات این حیوان پرداخته اند. بیان این خصوصیات در ادب عربی و فارسی رسوخ یافته، چنانکه در اشعار امرء القیس شاعر عرب و منوچهر دامغانی شاعر فارسی زبان بیان انواع اسب و کیفیت دویدن و سایر ویژگی های آن به چشم می خورد (سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۶۶: ۶).

رسالاتی در کتاب های عمومی در مورد جانورشناسی یافت می شود مانند: باب بیست و پنجم قابوسنامه، اندر خریدن اسب، که به اسب شناسی و دامپزشکی اسب اختصاص دارد که در آن از اساتید بیطار، اندام شناسی اسب، رنگ اسبان و تطابق آن با خواص فیزیولوژی، نشانه شناسی برخی از بیماری ها و سرانجام نام چند بیماری مختصرا بحث شده است. آداب الحرب و الشجاعة نیز از مهم ترین و ارزنده ترین نوشته هایی اند که از دامپزشکی ایرانی در سده های چهارم تا هفتم هجری باقی مانده است که باب هشتم تا دهم کتاب راجع به اسب است و یکی از منابع اصلی برخی از فرسنامه های ایران به شمار می رود (مهری، ۱۳۸۸: ۱۰). با تأمل در منابع طب ایرانی، آشکار می شود که علم سم شناسی اسب ها نیز همواره مورد توجه حکیمان برجسته ایرانی بوده است در واقع، آنها بخش هایی از آثار خود را به انواع مختلف سموم، بیماری زایی، علائم، نشانه ها، درمان ها، گاهی پادزهرها و اقدامات پیشگیرانه در خصوص بیماری اسب ها اختصاص داده اند (Aghabeiglouei et al, 2024: 71).

بیشتر پژوهشگران به ویژه مستشرقان، قدیمی ترین کتابی که تحت نام بیطره در تمدن اسلامی شناخته شده است منسوب به حنین بن اسحاق دانسته اند. اما نکته ای که از دید آنها پنهان مانده این است که کتاب های زیادی قبل از حنین و حتی در صدر اسلام در اسب شناسی و پزشکی اسب تألیف شده اند که نام بیطره یا بیطاری بر آنها اطلاق نشده بلکه با نام هایی نظیر «فروسیه»، «کتاب الخیل»، «علم الفراسه» و مانند آن شناخته می شوند (محرری، ۱۳۸۶: ۱۶۶). علامه ملامحسن فیض کاشانی، از برجسته ترین دانشمندان علوم دینی در قرن یازدهم هجری، با اتکا به احادیث نقل شده از ائمه بزرگوار شیعی، رساله ای در شرح اسبان به نام وصف الخیل نگاشته است (آقابابایی خوزانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). در مورد اسب، حدیث نیز نسبتاً بیش از سایر حیوانات روایت شده است و در اغلب آنها از این حیوان با توجهی آمیخته به مهر یاد شده است تا آنجا که حدیثی درباره ی رعایت و نگهداری آن نیز روایت شده است. در واقع مرکز عمده این

توجه نقش ویژه اسب در جنگ و حمله‌ها است (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۷). اسب در جنگ سواره، چنان اهمیت داشته که سهم سوار از غنیمت در جهاد، سه برابر پیاده محاسبه می‌شده است (همان: ۶۰). بدین دلیل که اسب برای سفر و نیز در جنگ‌ها بهترین و سریع‌ترین وسیله به شمار می‌رفت، از روزگار گذشته تا زمان ما کتاب‌های بسیاری در مورد انواع اسب و شناختن نیک و بد آن و بیماری‌های اسب و راه علاج آنها نوشته شده است. قدیمی‌ترین مآخذی که در این خصوص به دست ما رسیده است، مطالبی است که نوشتن آنها را به ارسطو نسبت داده‌اند. پس از اسلام نیز مسلمانان به‌خوبی به اهمیت و ارزش اسب از هر لحاظ پی‌بردند (سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۶۶: ۸).

تصویر اسب در آثار دامپزشکی دوره اسلامی

توصیف نوشتاری به‌تنهایی همواره قادر نیست تمامی ویژگی‌های اندامی، نسبت‌های ساختاری و روابط میان اجزای بدن را به‌روشنی بیان کند؛ از این‌رو، تصویر به‌عنوان ابزاری مکمل در کنار متن قرار می‌گیرد تا فهم مطالب را برای مخاطب آسان‌تر سازد. در متون دامپزشکی نیز این مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا شناخت دقیق اندام‌ها، وضعیت بدن و نشانه‌های بیماری در حیوانات، اغلب نیازمند مشاهده و نمایش بصری است.

نمی‌توان انتظار داشت یک تصویرسازی علمی، مستقل از متن اطلاعاتی را منتقل کند با این وجود در بسیاری از موارد یک تصویر بدون متن ارائه می‌شود و در نتیجه به راحتی بیننده را گمراه می‌کند. در حالیکه هزینه‌های بالایی برای تصویرسازی علمی صرف می‌شود و با توجه به این هزینه‌ها لازم بود خطاها را تا حد ممکن کاهش دهند تا از انتقال اطلاعات نادرست به مخاطبان جلوگیری شود (زاهدی انارکی، ۱۳۹۲: ۴۲). در آثار علمی، تصویر جایگاهی متفاوت و تعریف‌شده می‌یابد. تصویر علمی، برخلاف تصویر هنری نه برای لذت بصری یا انتقال مفاهیم نمادین بلکه برای روشن‌سازی، توضیح و تثبیت دانش به کار می‌رود. در تصویرسازی علمی، اصولی چون وضوح، سادگی، حذف جزئیات غیرضروری و تکرارپذیری اهمیت دارد. تصویر باید به گونه‌ای طراحی شود که برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان متخصص قابل فهم باشد و امکان مقایسه و ارجاع را فراهم کند. از این‌رو، تصویر علمی اغلب از احساس‌پردازی، اغراق یا تزئینات زائد

پرهیز می‌کند. در این حوزه، اسب نه به عنوان موجودی زیبا یا نمادین، بلکه به عنوان موضوع شناخت‌پذیر مطرح است. تصویر علمی اسب ممکن است بخشی از بدن، وضعیت خاص اندام یا رابطه میان اجزای مختلف را نشان دهد، بی‌آنکه کلیت ظاهری یا جذابیت بصری در اولویت باشد (جدول ۱).

جدول ۱. معرفی ویژگی‌های نسخ دامپزشکی و تک‌نگاره‌های مورد بررسی (نگارندگان، ۱۴۰۵).

نام و مولف نسخه	تاریخ حدودی نسخه	موضوع و سایر مشخصات نسخه	مشخصات نگهداری نسخه یا اثر	نمونه تصویر از نسخه
فرسنامه یا کتاب اسبان مولف: عبدالله خان بهادر فیروز	سده ۱۱ هجری	نسخه‌ای مربوط به ویژگی‌های اسبان و متعلق به دوره شاه جهان گورکانی	محل نگهداری، کتابخانه ملی قطر و نسخه دیجیتال در کتابخانه کنگره آمریکا	
			https://www.loc.gov/resource/gdcwdl.wdl_10668/?sp=1&st=grid	
عنوان نسخه: نامشخص مولف: نامشخص	سده ۸ - ۹ هجری	تک‌نگاره‌ای از نسخه‌ای در زمینه مطالعات اسب و زیست‌شناسی	کتابخانه ملی استانبول (منبع: رنان، ۱۳۹۳: ۳۱۱).	
عنوان نسخه: نامشخص مولف: نامشخص	احتمالاً سده ۵ به بعد	تک‌نگاره‌ای از نسخه‌ای در زمینه کالبدشناسی اسب	محل نگهداری نامشخص (منبع: نورپور، ۱۳۹۴: ۵۷).	

	محل نگهداری نامشخص (منبع: نورپور، ۱۳۹۴: ۵۷).	تک نگاره‌ای از نسخه‌ای در زمینه دامپزشکی اسب	احتمالاً سده ۴ به بعد	عنوان نسخه: نامشخص مولف: نامشخص
	محل نگهداری نامشخص (منبع: نورپور، ۱۳۹۴: ۵۷).	تک نگاره‌ای از نسخه‌ای در زمینه دامپزشکی اسب	احتمالاً سده ۴ به بعد	عنوان نسخه: نامشخص مولف: نامشخص

در نسخ پزشکی و دامپزشکی که جایگاهی متمایز از آثار هنری دارند؛ تصویر نه کاملاً آزاد و خیال‌پردازانه است و نه به طور کامل به دقت مدرن بدن متعهد است. تصاویر تشریحی اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی، حاصل نوعی تفکر تصویری سنتی هستند که در آن، دانش تجربی، سنت مکتوب و مهارت تصویرگر در هم تنیده شده‌اند.

محتوای متنی نسخه‌ای که در تصویر (جدول ۲) آمده است، بیان ویژگی‌های اسب‌ها بر اساس رنگ بدن آنها و برخی از موارد مربوط به بررسی سلامت اسب‌ها از علائم ظاهری آنها است. در هر دو نسخه، ویژگی‌های ظاهری اسب‌ها با حالات درونی آنها تطبیق داده و نگاشته شده است.

در (جدول ۲)، که مربوط به تصاویر نسخه موزه الازهر می‌باشند، ارتباط میان متن و نوشتار بدون هیچ مرزی و در کنار یکدیگر است. همچنین کلیت هر صفحه از ترکیب‌بندی خاصی پیروی نکرده و تصویر و نوشته‌ها بی‌واسطه و بدون کادربندی در زمینه خام کاغذ قرار گرفته‌اند. در این نسخه، میزان پایداری تصاویر اجرا شده به متن تقریباً زیاد ارزیابی می‌شود و تصویرگری‌ها مطابق با توصیفات آورده شده در متن است. در این تصاویر، ترکیب‌بندی دارای کادربندی بوده و فضاهایی جداگانه برای تصاویر و نوشته‌ها تعریف شده است. تمامی اسب‌ها در این نسخه در فضایی مشابه از طبیعت قرار گرفته‌اند و هر بار تنها، نقش اسب متفاوت ترسیم شده است.

جدول ۲. برخی از تصاویر اسب و ویژگی‌های آنها در نسخه کتاب اسبان یا فرسنامه نسخه دیجیتال کتابخانه

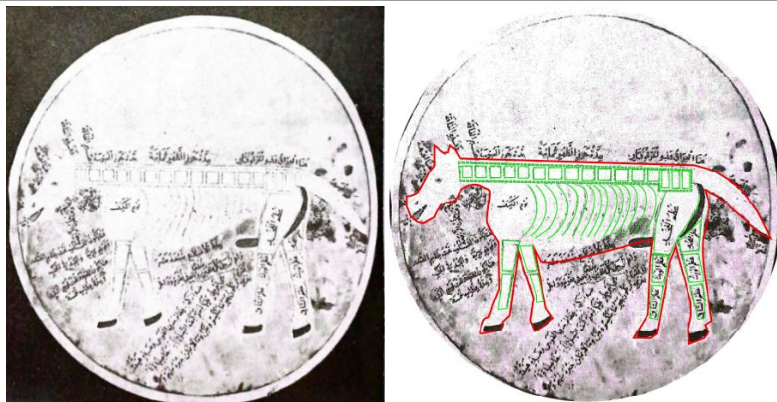
کنگره آمریکا 1 URL. (نگارندگان، ۱۴۰۵).

ویژگی‌های کلی تصاویر	نوشته کنار تصویر	تصویر اصلی	نوشته کنار تصویر	تصویر اصلی
- اسب‌ها تک رنگ - اندام نیم رخ - دارای یک شکل - زین مانند مشابه - در پس زمینه‌ای از طبیعت کاملاً مشابه	نوشته: «اگر این اسب را خال سفید بر شکم باشد صاحب آن مالک فرزندی نرینه باشد...»		نوشته: «...اگر این اسب را بر گونش و سم اش خال سفید افتد آن را نیز مبارک دانند...»	
- پس زمینه تکرارشونده در همه نمونه‌ها - نوشته و تصاویر در کادرهایی جداگانه از هم	نوشته: «اسبی که سم آن سفید باشد ... مبارک دانند...»		نوشته در باب رنگ اسب	
- اسب‌ها دو رنگ - دارای یک شکل - زین مانند مشابه - در پس زمینه‌ای از طبیعت کاملاً مشابه	نوشته: «اسبی که رنگ او سفید باشد و اندک مایه زردی در آمیخته باشد ... نیز نیک شمرده‌اند...»		نوشته: «رنگ زرد را رزده گویند...»	

- پس زمینه تکرارشونده در همه نمونه‌ها - نوشته و تصاویر در کادرهایی جداگانه از هم	نوشته درباره رنگ بدن اسب سیاه با لکه‌های سفیدمانند.		نوشته: «اسبی که روی سرخ باشد و دم با سفید و سرخ آمیخته ... خوب است»	
--	--	---	--	---

در تصاویر تشریحی اسب (جدول ۲)، بدن حیوان اغلب به صورت کلی و طراحی گونه نمایش داده می‌شود. اندام‌ها، اندکی ساده‌سازی شده‌اند و گاه تناسبات طبیعی دقیق رعایت نمی‌شود؛ با این حال، این امر به معنای دقیق نبودن تصویر نیست. هدف این تصاویر، نمایش کارکردی بدن بوده و بازنمایی واقع‌گرایانه آنها مد نظر نیست. برخلاف تصویرسازی پزشکی مدرن که مبتنی بر تشریح کالبدی دقیق و مطالعات آزمایشگاهی است، تصویر دامپزشکی ادوار گذشته اسلامی بر پایه مشاهده تجربی و سنت انتقال دانش شکل گرفته است. از این رو، تصویر اسب در این نسخ بیشتر کاربردی است تا تشریحی که به معنای امروزی متداول است.

بررسی نمونه‌های جدول نشان می‌دهد که تصویرگر بیش از آنکه به بازنمایی طبیعی یا تشریح دقیق اندام‌ها توجه داشته باشد، ویژگی‌هایی را برجسته کرده است که متن بر آنها تأکید دارد؛ از جمله رنگ بدن، خال‌ها و نشانه‌های ظاهری اسب. به همین دلیل، عناصر تصویری در تمامی نمونه‌ها از الگوی ثابتی مانند نمای نیم‌رخ، حالت ایستاده، پس‌زمینه یکسان و زین مشابه پیروی می‌کنند و تنها ویژگی‌هایی که متن موضوع آنهاست، تغییر می‌یابد.



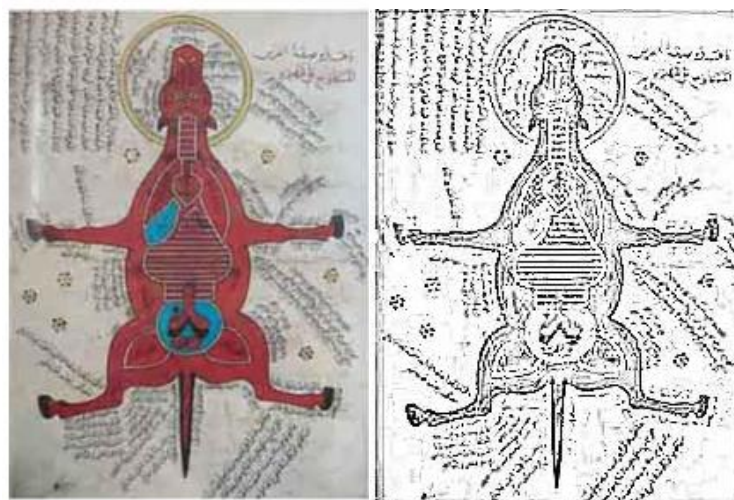
شکل ۱. نقاشی تشریحی از اسب از کتابی خطی متعلق به قرن پانزدهم میلادی (۸-۹ هجری) مطالعه اسب، جزء محوری زیست شناسی اسلامی بود کتابخانه دانشگاه استانبول (منبع: رنان، ۱۳۹۳: ۳۱۱).



شکل ۲. تصویررنگی نسخه شکل ۱، از کتب دامپزشکی اسب متعلق به دوره اسلامی (منبع: نورپور، ۱۳۹۴: ۵۸).

در (شکل ۱) اسب به صورت نیم رخ کامل به نمایش درآمده است؛ انتخابی آگاهانه که امکان مشاهده همزمان سر، گردن، تنه و اندامهای حرکتی را فراهم می‌سازد. نیم رخ بودن تصویر، یکی از رایج‌ترین قراردادهای بصری در نسخ دامپزشکی است، چرا که بیشترین سطح اطلاعات تشریحی را با کمترین پیچیدگی فضایی منتقل می‌کند. بدن اسب با خطوط محیطی ساده و یکنواخت ترسیم شده و از ایجاد حجم‌پردازی یا سایه‌روشن پرهیز شده است. این تخت‌نمایی تصویر، نشان‌دهنده اولویت وضوح بر

واقع‌نمایی است. اندام‌ها به صورت کلی و بدون جزئیات عضلانی پیچیده ترسیم شده‌اند اما جایگاه مفاصل، امتداد ستون فقرات و تناسب کلی بدن حفظ شده است. در این تصویر، بخش‌هایی از بدن با نشانه‌های نوشتاری کوتاه مشخص شده‌اند. نوشته‌ها نه تزئینی‌اند و نه مستقل؛ بلکه مستقیماً به اندام مورد نظر اشاره دارند و نقش راهنمای دیداری را ایفا می‌کنند. بدین ترتیب، تصویر و متن در یک نظام واحد معنایی عمل می‌کنند. نوشته‌های کوتاه در کنار اندام‌ها، خطوط اشاره‌گر و تقسیم‌بندی بخش‌های بدن، نشان می‌دهد که تصویر به عنوان ابزاری برای آموزش عملی دامپزشکی عمل می‌کند. تصویر در این نسخ، حافظه بصری مخاطب را تقویت می‌کند و به او کمک می‌کند تا محل بیماری، عضو مورد نظر یا روش درمان را بهتر درک کند. در (شکل ۱ و ۲) مشاهده می‌شود که طراحی اسکلت بدن و استخوان‌ها در ناحیه کمر و پاها دقیق‌تر بوده و سایر بخش‌ها و مفاصل، با جزئیات کمتری رسم شده‌اند. بخش کمر محل قراگیری وزن سواره و پاها به عنوان تحمل‌کننده آن وزن، طبیعتاً می‌تواند از بیشترین اهمیت برخوردار باشد؛ بنابراین علاوه بر ترسیم دقیق‌تر، نوشته‌های مکملی در کنار این نواحی نیز دیده می‌شود که طبق بیان منابع، توضیحات تکمیل‌کننده متن اصلی نسخه هستند که در کنار تصاویر قرار دارند.



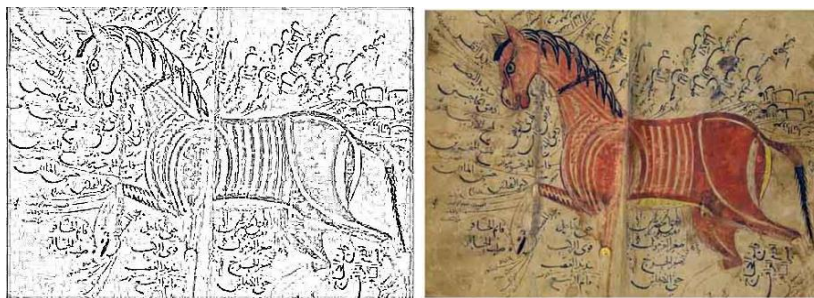
شکل ۳. تصویری از کتب دامپزشکی اسب متعلق به سده‌های نخستین اسلامی و طرح خطی آن (منبع:

نوریور، ۱۳۹۴: ۵۷).

در (شکل ۳) که زاویه دید آن از بالا است، بدن اسب با تأکید بر بخش‌های آسیب‌پذیر یا بیمار ترسیم شده است. برخی اندام‌ها با خطوط پررنگ‌تر و رنگ متفاوت و نشانه‌های خاص برجسته شده‌اند. این برجسته‌سازی بصری، جایگزین توصیف طولانی متنی می‌شود و مخاطب را مستقیماً به ناحیه مورد نظر هدایت می‌کند. در این تصویر دور بخش سر، دایره‌ای جداگانه ترسیم شده و مطالب تکمیلی داخل آن دایره نگارش شده‌است. همچنین برخی از اعضا داخلی بدن در کنار اسکلت کلی ستون فقرات، رسم شده است. این نمونه نسبت به نمونه تصاویر قبلی، مطالعه جزئی‌تری را اجرا کرده و به نمایش گذاشته‌است. در (شکل ۴) سادگی رنگ (یا فقدان رنگ)، حذف جزئیات غیرضروری و تمرکز بر فرم کلی بدن، همگی در راستای وضوح بصری عمل می‌کنند.



شکل ۴. تصویری از کتب دامپزشکی اسب متعلق به سده‌های نخستین اسلامی (منبع: نورپور، ۱۳۹۴: ۵۷).



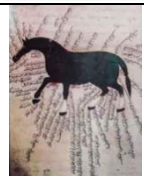
شکل ۵. تصویری از کتب دامپزشکی اسب متعلق به سده‌های نخستین اسلامی و طرح خطی آن (نورپور، ۱۳۹۴: ۵۷).

در (شکل ۵)، بیشترین میزان نوشته‌های مکمل تصویر دیده می‌شود. تقریباً هر بخش مهم بدن دارای توضیح کوتاه است. این امر نشان می‌دهد که تصویر به‌تنهایی کافی تلقی نشده و همواره به متن وابسته است. تصویر و نوشته در اینجا به‌صورت یک واحد آموزشی عمل می‌کنند. بدن اسب همچنان به‌صورت نیم‌رخ و ایستاده نمایش داده شده است؛ حالتی که امکان تمرکز ذهنی مخاطب را افزایش می‌دهد و از حواس‌پرتی بصری جلوگیری می‌کند.

بر اساس تحلیل تصاویر، می‌توان ویژگی‌های بصری تصویر اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی را چنین خلاصه کرد: ۱. غلبه نمای نیم‌رخ به‌منظور بهبود بیان اطلاعات تشریحی، ۲. گاه استفاده از نمای بالا یا ترکیبی در موارد خاص آموزشی، ۳. تخت‌نمایی و حذف عمق فضایی برای افزایش وضوح، ۴. سادگی خط و فرم و پرهیز از تزیینات، ۵. نشانه‌گذاری نوشتاری گاهی در کنار و گاهی مستقیم روی تصویر، ۶. بزرگ‌نمایی هدفمند برخی اندام‌ها، ۷. حذف زمینه و عناصر روایی. اولویت کارکرد آموزشی بر واقع‌نمایی هنریتفاوت بنیادین این تصاویر با آثار هنری در این است که: ۱. بدن اسب در نسخ دامپزشکی هدفمند ترسیم می‌شود، ۲. هر جزء بدن واجد معنای عملکردی است، ۳. اغراق و تزیینات به حداقل می‌رسد و تصویر مستقیماً در خدمت درمان و شناخت بیماری قرار می‌گیرد (جدول ۳).

جدول ۳: بررسی ویژگی‌های تصویر در نسخ با نقش اسب (نگارندگان، ۱۴۰۵).

تصویر	وجود نوشته روی تصویر	نوع نوشته	میزان وابستگی تصویر به متن	شیوه تشریح
	محدود	نکات کلیدی به صورت عبارت و نشانه‌گذاری کلی	در قیاس با سایر نمونه‌های جدول، کمتر	تفکیک بخش‌هایی از اسکلت

توضیح تشریحی و نکات کلیدی به صورت عبارت	زیاد		در قیاس با سایر نمونه‌های جدول، بسیار زیاد	تفکیک اندام‌ها، اسکلت‌ها و ماهیچه‌ها
عبارت‌های کلیدی	زیاد		در قیاس با سایر نمونه‌های جدول، متوسط	کلی‌نگر و فاقد نمای درونی بدن
عبارت‌های کلیدی	زیاد		در قیاس با سایر نمونه‌های جدول، متوسط	کلی‌نگر و فاقد نمای درونی بدن

بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که رابطه میان متن و تصویر در نسخ دامپزشکی تابع نوع اطلاعات درمانی است. هرجا متن بر تشخیص بیماری از طریق علائم بیرونی بدن اسب استوار است، تصویر نیز تنها همان نشانه‌های ظاهری را برجسته می‌کند و از ورود به جزئیات کالبدی پرهیز دارد. اما در مواردی که متن به شناخت محل بیماری، ارتباط اندام‌ها یا شیوه مداخله درمانی می‌پردازد، بازنمایی صرف ظاهر اسب دیگر پاسخ‌گوی انتقال دانش نیست؛ از این رو تصویر به نمایش استخوان‌بندی، اندام‌ها و گاه اجزای داخلی بدن روی می‌آورد. بدین ترتیب، تشریح‌نگاری در این نسخ نه یک ویژگی ثابت، بلکه راهکاری تصویری برای انتقال آن دسته از دانش دامپزشکی است که با مشاهده ویژگی‌های ظاهری به‌تنهایی قابل تبیین نبوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نسخ دامپزشکی اسلامی، دو رویکرد اصلی در بازنمایی اسب قابل تشخیص است. رویکرد نخست بر بیان ویژگی‌های ظاهری، رنگ، نشانه‌های بیماری و شاخص‌های سلامت اسب استوار است و تصویر در تأیید و تکمیل متن به کار گرفته شده است. رویکرد دوم، به نمایش ساختار کالبدی و تشریحی بدن اسب می‌پردازد و با تفکیک اندام‌ها، نشانه‌گذاری نوشتاری و تأکید بر بخش‌های مهم بدن، کارکردی آموزشی و درمانی پیدا می‌کند. این تنوع نشان می‌دهد که تصاویر نسخ

دامپزشکی صرفاً از یک الگوی ثابت پیروی نمی‌کنند بلکه متناسب با موضوع و هدف علمی هر نسخه سازمان یافته‌اند.

شیوه تشریح‌نگاری اسب در این بازه زمانی (سده‌های نخستین تا ۱۱ ه.ق)، نماینده یک دوران گذار و تثبیت در تاریخ علم تصویرگری است که در آن تصویر، از یک ابزار حاشیه‌ای به یک منطقی استدلالی ارتقا یافته است. مصوران بيطاری با درک دقیق از جایگاه راهبردی اسب در تمدن اسلامی، نوعی تجرید علمی را ابداع کردند؛ به این معنا که آن‌ها با آگاهی کامل از جزئیات آناتومیک، تنها بر عناصری تأکید ورزیده‌اند که در فرآیند درمانی نقش کلیدی داشته‌اند. یکی از نتایج قابل انتظار پژوهش، حضور گسترده ساده‌سازی بصری و حذف جزئیات طبیعی گرایانه در این تصاویر بود؛ یا به عبارتی هدف اصلی از تصویرسازی، تأکید بر بخش‌هایی از بدن حیوان بوده است که در تشخیص بیماری‌ها یا درمان آن‌ها اهمیت بیشتری داشته‌اند. از این منظر می‌توان گفت که این تصاویر نوعی واقع‌گرایی انتخابی را بازنمایی می‌کنند؛ به این معنا که تنها بخش‌هایی از واقعیت جسمانی اسب نمایش داده شده که برای انتقال دانش کاربردی ضروری بوده‌اند. استفاده گاه‌به‌گاه از نمای فوقانی یا ترکیبی برای نمایش ساختار بدن در این تصاویر نیز قابل توجه است. این نوع نمایش در مقایسه با سنت رایج تصویرگری حیوانات در هنر اسلامی که عمدتاً بر نمای جانبی استوار است، نشان‌دهنده نوعی تلاش برای ارائه اطلاعات دقیق‌تر درباره ساختار بدنی حیوان است. بررسی روند کلی تصاویر همچنین نشان داد که در بسیاری از موارد، زمینه تصویری حذف شده و تمرکز اصلی بر بدن حیوان قرار گرفته است. این روند را می‌توان نشانه‌ای از تغییر کارکرد تصویر از یک عنصر روایی یا تزئینی به یک نمودار آموزشی دانست.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر بررسی شیوه تشریح بدن اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی، آشکار ساخت که در نسخ دامپزشکی اسلامی، تصویر اسب واجد کارکردی آموزشی-کاربردی است که بر شناخت عملی بدن حیوان و درمان بیماری‌ها متمرکز است. تشریح‌نگاری اسب در این نسخ، بیشتر عملکردمحور بوده تا اینکه کالبدشناسانه به معنای دقیق علمی باشد. در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان اظهار داشت: شیوه تشریح‌نگاری اسب در نسخ دامپزشکی اسلامی در سده‌های نخستین اسلامی تا ۱۱ ه.ق، شیوه‌ای ترکیبی

است که با بهره‌گیری از ساده‌سازی بصری، نشانه‌گذاری نوشتاری و حذف جزئیات غیرضروری، تصویر را به ابزاری کارآمد برای انتقال دانش تجربی بدل می‌سازد. شیوه تشریح‌نگاری اسب در نسخ دامپزشکی یا بیطاری، نظام تصویری منحصربه‌فردی است که از واقع‌نمایی بصری به نفع کارکردگرایی علمی عبور کرده است و در نسخ مختلف با تفاوت‌هایی در ساختار بصری تصویر شده‌اند.

در پاسخ به پرسش پژوهش، می‌توان استدلال کرد که مصوران این دوران با بهره‌گیری از استراتژی تخت‌نمایی و حذف عمق فضایی، جسد یا کالبد حیوان را از ساحت زمان و مکان مادی خارج کرده و آن را به یک دیالگرام اطلاعاتی بدل ساخته‌اند. غلبه نمای نیم‌رخ در غالب تصاویر، انتخابی آگاهانه برای پیشینه‌سازی سطح نمایش اندام‌های حرکتی و تناسبات طولی است، در حالی که استفاده از نمای فوقانی مانند (تصویر ۳) نشان‌دهنده درک عمیق از آناتومی توپوگرافیک و ضرورت نمایش تقارن ستون فقرات در تشخیص‌های بالینی است. این رویکرد ثابت می‌کند که تصویرگری تشریحی در این نسخ، نه یک بازنمایی تزئینی، بلکه یک «فرآیند شناختی» است که در آن، خطوط محیطی قاطع و ساده‌سازی فرم‌ها، ابزاری برای حذف اغتشاش بصری و متمرکز ساختن ذهن بیطار بر کانون‌های آسیب‌دیده یا نقاط معیار در نژادشناسی محسوب می‌شود. در واقع، این شیوه ترسیم، نوعی واقع‌گرایی است که تنها آن بخش از حقیقت فیزیکی اسب را بازنمایی می‌کند که واجد ارزش درمانی یا تشخیصی باشد. تشریح‌نگاری در این نسخ، محصول یک نظام معرفتی منسجم است که توانسته با تلفیق سنت‌های نگارگری (خط‌محوری و تخت‌نمایی) و ضرورت‌های تجربی دامپزشکی، زبانی تصویری خلق کند که همزمان با انتقال مفاهیم پیچیده آناتومیک، هویت زیبایی‌شناختی بومی خود را نیز حفظ نماید. این الگوی تصویر-متن، در سده‌های میانه، غایتی جز تبدیل مشاهدات پراکنده به یک دانش منسجم، ماندگار و قابل آموزش نداشته است.

منابع

- احمدی‌دارانی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). فواید ادبی کتاب تاریخ دامپزشکی و پزشکی، نشریه نشر دانش، (۹۷)، ۵۶ - ۶۰.
- آقابابایی‌خوزانی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی ترجمه‌های حیات الحیوان و کتب بیطاری در ایران از آغاز تا روزگار قاجار، متن‌شناسی ادب فارسی، (۲)، ۹۷-۱۲۰.
- دادرس، آتنا (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی تصویرسازی جانوران در نسخه‌های متعدد الحشائش دیسکوریدوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۷۹). فرسنامه‌ای فارسی مورخ ۵۵۵ قمری (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس)، ترجمه هوشنگ اعلم، نامه بهارستان، (۲)، ۷۱-۷۴.
- رنان، کالین ا. (۱۳۹۲). تاریخ علم کمبریج. ترجمه حسن افشار، تهران: نشرمرکز.
- زاهدی‌انارکی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تصاویر علمی کتاب الحشائش مکتب بغداد دوره عباسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تصویرسازی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنرتهران.
- سلطانی‌گرد فرامرزی، علی (۱۳۶۶). تاریخ علوم در اسلام دو فرس نامه منثور و منظوم در شناخت نژاد و پرورش و بیماری‌ها و درمان اسب. تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران و انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱). فرهنگ نامه جانوران در ادب فارسی. تهران: انتشارات پژوهنده.
- کامرانی، بهنام (۱۳۸۸). نقش گیاهان و جانوران در کتاب‌های علمی ایران. پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران.
- محرری، امید (۱۳۸۶). سیر بیطاری دامپزشکی اسب در تاریخ سرزمین‌های اسلامی، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ۴ (۱۴)، ۱۸۶-۱۶۳.
- مهری، فاطمه (۱۳۸۸). کتاب الحیوان جانور شناسی در تمدن اسلامی، نشریه معارف، (۶۷)، ۴۴ - ۶۳.

- نوریور، علی (۱۳۹۴). بررسی تصویرسازی‌های کتب علمی جانورشناسی دوره اسلامی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته تصویرسازی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر تهران.
- Ahmadi-Darani, A. A. (2000). *Literary benefits of the book "History of Veterinary and Medicine*. Nashr-e Danesh, (97), 56–60. (in Persian)
- Aghababaei-Khoozani, Z. (2013). A study of the translations of Hayat al-Hayawan and veterinary books in Iran from the beginning to the Qajar era. *Textual Criticism of Persian Literature*, (2), 97–120. (in Persian)
- Aghabeiglooei, Z., Rezaei Orimi, J., Koohi, K. M., & Sharifabadi-Amrollahi, M. (2024). Al-Razi's Contributions to Veterinary Medicine; Toxicology Subspecialty. *Research on History of Medicine*, 13 (1), 71–78.
- Dadras, A. (2021). A comparative study of animal illustrations in multiple manuscripts of Dioscorides De Materia Medica (Al-Hasha'ish) [Master's Thesis in Illustration]. Faculty of Visual Arts, Isfahan University of Art. (in Persian)
- Ronan, C. A. (2013). *The Cambridge Illustrated History of the World's Science*. Translated by Hassan Afshar. Tehran: Nashr-e-Markaz. (in Persian)
- Zahedi-Anaraki, F. (2013). A study of scientific illustrations in the Baghdad School's De Materia Medica during the Abbasid period [Master's Thesis in Illustration]. Faculty of Visual Arts, Tehran University of Art. (in Persian)
- Safari, M. (2019). English Vocabulary for Equine Veterans: How Different from GSL and AWL Words. *Journal of English for Academic Purposes*, 8 (2), 51–65.
- Soltani Gord-Faramarzi, A. (1987). *History of Sciences in Islam: Two prose and verse Faras-Namahs on the identification of breeds, breeding, diseases, and treatment of horses*. Tehran: McGill University Institute of Islamic Studies (Tehran Branch) & University of Tehran Press. (in Persian)
- Abdollahi, M. (2002). *The Encyclopedia of Animals in Persian Literature*. Tehran: Pazhouhandeh Publications. (in Persian)
- Kamrani, B. (2009). The role of flora and fauna in Iranian scientific books [Doctoral Dissertation]. Faculty of Applied Arts, Tehran University of Art. (in Persian)

- Mohareri, O. (2007). The evolution of equine veterinary medicine in the history of Islamic lands. *Journal of Fiqh and the History of Civilization*, 4 (14), 163–186. (in Persian)
- Mehri, F. (2009). *Kitab al-Hayawan: Zoology in Islamic civilization*. Ma'aref Journal, (67), 44–63. (in Persian)

پیوست‌ها: لینک مستقیم تصاویر

- URL 1: https://www.loc.gov/resource/gdcwdl.wdl_10668/?sp=1&st=grid -
2025.